

عوامل ساده‌نویسی در متون مصور دوران قاجار با تأکید بر آثار طالبوف تبریزی

چکیده

عصر قاجار به لحاظ چاپ و نشر آثار مصور و تجلی تصویر در معماری، نقاشی، موسیقی، نگارگری، تذهیب و غیره، عصر ویژه‌ای است. ادبیات نیز محمل مناسبی برای این موضوع است اما وقتی زبان، موضوع بحث سبک‌شناسانه باشد، بهره بردن شاعر و نویسنده از صور خیال و صناعی مانند استعاره، تشبیه و مجاز، نوعی نگارگری در کلام است و طالبوف از این منظر، نویسنده تصویرگری محسوب می‌شود. طالبوف تبریزی از نویسندگان و روشنفکران ایرانی مهاجر به قفقاز است که با نگارش آثار ادبی و سیاسی خود سهم زیادی در روشنگری و گسترش اندیشه‌های نوین ادبی و سیاسی در بین ایرانیان دارد. او در آثارش ضمن بحث از مسایل علمی جدید و سیاست و آزادی و قانون، لزوم ساده‌نویسی و رهایی از عبارت‌پردازی‌ها و تکلفات پیشین در نشر را گوشزد می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. بررسی‌ها نشان داد که در سطح زبانی، ترجمه لفظ به لفظ اصطلاحات و عبارات ترکی به فارسی، استفاده از کلمات خارجی با تلفظ روسی یا ترکی، مطابقت صفت با موصوف به سیاق زبان عربی، کاربرد ضمیر «او» برای غیر انسان و استفاده از «به» در معنی «برای» بسامد زیادی در آثار طالبوف دارند. در سطح ادبی نیز اقتباس و استشهاد به آیات و اشعار و بهره‌گیری از ضرب‌المثل برای تبیین موضوع، ویژگی اصلی آثار وی هستند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ویژگی‌های سبکی آثار طالبوف در دو سطح زبانی و ادبی است.

۲. بررسی عوامل ساده‌نویسی در متون مصور دوره قاجار.

سوالات پژوهش:

۱. آثار ادبی طالبوف تبریزی دارای چه ویژگی‌های زبانی و ادبی است؟

۲. چه عواملی در ساده‌نویسی متون مصور دوره قاجار نقش داشته است؟

کلیدواژه‌ها: تصویرگری، متون مصور، طالبوف تبریزی، ساده‌نویسی، سبک‌شناسی.

مقدمه

دوره قاجار از بسیاری از جهات و در بسیاری از حوزه‌ها، دوره پیشرو و پویایی است که دلایل متعددی دارد که این مقاله، با توجه به موضوعی که دارد، دنبال تشریح این مورد نیست. فقط به همین حد از اشاره بسنده می‌کند که شرایط جهانی عصر مورد بحث، تغییر را می‌طلبید و اعزام دانشجویان به خارج از کشور و رواج صنعت ترجمه و چاپ، در راستای پیروی از شرایط پیش‌رونده دنیا بود. در این بین، تحول در حوزه چاپ و نشر کتاب، چنان‌که اشاره خواهد شد، یکی از نمودهای این تغییرات است که با رواج چاپ سنگی، عملاً انقلابی در زمینه تصویرگری اتفاق می‌افتد. به اعتقاد پژوهشگران با انتشارات کتاب‌های چاپ سنگی در دوران قاجار، زندگی دوباره مصورسازی کتب ایرانی آغاز شد. علی‌رغم این که مصورسازی کتاب‌های چاپ سنگی از نظر کیفیت تفاوت‌های قابل توجهی با نگارگری قدیم ایران داشت، اما با ادامه یافتن برخی سنت‌های کتاب‌آرایی و تأثیرپذیرفتن از هنر عامیانه و تأثیر متقابل بر آن برخی سنت‌های کتاب‌آرایی ایران در شکل و محتوایی متفاوت مجدداً احیا شد. این تحول راه را برای چاپ آثار منشور این دوره هم که رفته‌رفته، مشق ساده‌نویسی می‌کرد، گشود.

با وجود پدید آمدن نهضت ادبی بازگشت در شعر عهد قاجار، این جنبش و تحول در نثر، هم دیرتر شروع شد، هم تدریجی و کند بود. نثر این دوره با وجود برخی اصلاحات که قائم مقام فراهانی در نثرنویسی به وجود آورد، تقریباً تا اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه به همان سبک و سیاق پیشین است و نویسندگان و دبیران به عبارت‌پردازی و سجع‌سازی مشغول‌اند. در نیمه دوم قرن سیزدهم و عهد ناصری نمونه بارز ساده‌نویسی را در آثاری چون ترجمه هزار و یک شب (۱۲۵۹ هـ.ق) عبداللطیف طسوجی و کتاب کشف‌الغرائب یا رساله‌ی مجدیه (۱۲۸۷ هـ.ق) اثر حاج میرزا محمدخان سینکی ملقب به مجدالملک، می‌بینیم. در دوره بیداری و سال‌های مقارن مشروطه عوامل متعددی باعث شتاب گرفتن ساده‌نویسی و تحول نثر فارسی شد. تأسیس دارالفنون نه تنها در محیط خود باعث پدید آمدن کتب علمی ترجمه شده از زبان‌های اروپایی شد بلکه در پرتو آن در خارج از محیط دارالفنون نیز کتاب‌ها و داستان‌های بسیاری ترجمه و چاپ شد و مترجمان خواهرناخواه از سادگی متون اصلی تبعیت کردند. از طرف دیگر تأسیس چاپخانه و چاپ روزنامه‌ها و مجلات باعث ساده‌تر شدن نثر فارسی در اثر تماس آن با ادبیات خارجی در جراید شد و نیز کوشش‌های نویسندگان ایرانی مقیم خارج برای پیراستن زبان از الفاظ و ترکیبات دشوار و تأکید بر ساده‌نویسی با پدید آوردن نخستین داستان‌ها و رمان‌های فارسی، نتیجه داد و سبک نویسندگی منشیانه و پرتکلف قدیم، جای خود را به نثر ساده و روان داد. در دوره بیداری، اندیشه‌های نوین و پیشرو اجتماعی و سیاسی تحت تأثیر آشنایی نویسندگان و روشنفکران ایرانی با ادبیات روس، ترک و اروپا در میان ایرانیان نفوذ و گسترش یافت. میرزا فتحعلی آخوندزاده، طالبوف تبریزی، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا آقاخان کرمانی و میرزا حبیب اصفهانی از جمله روشنفکران و نویسندگان ایرانی مهاجر به تفلیس و استانبول بودند که در گسترش اندیشه‌های نوین سیاسی و ادبی در میان ایرانیان و پیدایش نهضت مشروطه سهم زیادی داشتند. آزادی، قانون، وطن‌خواهی، علوم جدید و تعلیم و تربیت نوین، حقوق زن، اندیشه‌ی تغییر و اصلاح خط فارسی، لزوم ساده‌نویسی در نثر فارسی، نقد ادبیات قدیم و تشویق به روی آوردن به رمان و درام، انتقاد از وضع سیاسی و اجتماعی جامعه از جمله مسائلی است که با زبان و نثری ساده در آثار نویسندگان این دوره از جمله طالبوف تبریزی بازتاب یافته است.

به قول منتقدی نخستین ایرانیان رمان‌نویس که روشنفکران و تاجران مهاجر (طالبوف، آخوندزاده، مراغه‌ای) یا تبعیدی‌های سیاسی (میرزا حبیب اصفهانی، میرزا آقاخان کرمانی) بودند، با درک فرهنگ و ادبیات مترقی ملل دیگر و انواع ادبی جدید، از راه ادبیات فرانسه و روسیه، ادبیاتی را پدید می‌آورند که مهم‌ترین ویژگی آن نقد سنت ادبی گذشته و ستیز با مغلط‌گویی و ایجاد ادبیاتی سیاسی است که به کار بیداری مردم بیاید.

طالبوف تبریزی در رمان «مسالک‌المحسنین» که سفرنامه‌ای خیالی از سفر گروهی علمی به قله دماوند و حاوی اندیشه‌های فلسفی و انتقاد اجتماعی است، به انتقاد از ناتوانی حکومت استبدادی و نابسامانی اوضاع و عقب‌ماندگی و فقر مردم می‌پردازد. در کتاب «ایضاحات در خصوص آزادی» از معنی آزادی و مجلس شورای ملی و قانون بحث می‌کند. طالبوف در دو کتاب «سفینه طالبی یا کتاب احمد» و «مسائل الحیات» نیز به بیان مسایل گوناگون علمی و سیاسی و حقوقی به صورت گفتگو با فرزند خیالی خود احمد می‌پردازد. زبان طالبوف در همه این آثار، ساده و روان و طبیعی است و ایرج افشار معتقد است: «مقامی که طالبوف در تاریخ اخیر ایران یافته است بیشتر بدان علت است که افکار جدید را خواه در زمینه آزادی و خواه از لحاظ مباحث علمی به زبان ساده در ایران نشر کرد. نوشته‌های خود را بی‌تکلف نوشت و سبک تازه‌ای در ادبیات فارسی به وجود آورد.

درباره طالبوف و آثار و اندیشه‌های او، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است. یحیی آرین‌پور (۱۳۵۰) در جلد اول کتاب «از صبا تا نیما» در بخش ادبیات بیداری و نویسندگان و شنفکران مهاجر بیرون از ایران، درباره زندگی و آثار طالبوف تبریزی بحث می‌کند. فریدون آدمیت (۱۳۶۳) در کتاب «اندیشه‌های طالبوف تبریزی» پس از بحث مفصل درباره زندگی و آثار طالبوف به بررسی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و انتقادی وی می‌پردازد. ایرج افشار (۱۳۳۰) در مقاله «طالباف» چاپ شده در مجله یغما- که بعدها هم در سواد و بیاض (۱۳۴۵) و مقدمه آزادی و سیاست (۱۳۵۷) چاپ شد- درباره زندگی و آثار و اندیشه طالبوف بحث می‌کند. فاطمه حیدری و مهرداد نصرتی (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل و بررسی سبک نگارش طالبوف بر پایه سه اثر مسالک‌المحسنین، ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی» به بررسی سبک سه کتاب مذکور پرداخته‌اند. همچنین فاطمه حیدری و فاطمه صیدی (۱۳۹۲) در مقاله «سبک‌شناسی ساختاری دو اثر طالبوف: کتاب احمد و مسالک‌المحسنین سبک این دو کتاب را بررسی کرده‌اند. تفاوت این مقاله با دو مقاله اخیر آن است که در مقاله حاضر اولاً همه آثار طالبوف بررسی شده‌اند، نه بخشی از آن‌ها، ثانیاً در این آثار بر عوامل و عناصر پربسامد و سبک‌ساز و منتج به نتیجه تأکید و تمرکز شده است نه هر عنصر کم‌بسامد و گاهگاهی، از این منظر، پژوهش حاضر ضرورت دارد.

نتیجه‌گیری

ساده‌نویسی ویژگی اصلی نثر دوره بیداری و نیز نثر آثار طالبوف تبریزی است هرچند یکدستی این ساده‌نویسی در آثار وی تا حدی به دلیل اصرار وی در استفاده از کلمات غربی، تأکید بر نشان دادن عربی‌دانی و تعلق خاطرش به سجع‌پردازی در برخی آثارش از دست رفته است. در آثار طالبوف، دو نفر ضمن گفت‌وگو با هم، نگاهی انتقادی به اوضاع ایران و جهان دارند و همین خاصیت گفت‌وگویی و گاه تعلیمی، نثر او را ساده کرده است. اساساً توجه به گفت‌وگو برای انتقال دانسته‌ها، شیوه‌ای است که در آثار این دوره غالباً به چشم می‌خورد و این روش در «کتاب احمد» طالبوف که رویکردی تربیتی دارد، هم باعث سادگی نثر شده و هم بار تعلیمی آن را بالا برده است. در بررسی ویژگی‌های سبکی آثار طالبوف در سطح زبانی مشخص شد که وی از کلمات و اصطلاحات خارجی به وفور استفاده کرده و گاه معادل‌های فارسی برای آن‌ها برگزیده است. ترجمه لفظ به لفظ اصطلاحات و عبارات ترکی به فارسی، استفاده از کلمات خارجی با تلفظ روسی یا ترکی، مطابقت صفت با موصوف به سیاق زبان عربی، کاربرد ضمیر «او» برای غیر انسان، و استفاده از «به» در معنی «برای» از دیگر ویژگی‌های زبانی پر بسامد در آثار طالبوف است. در سطح ادبی نیز اقتباس و استشاده‌های قرآنی و بهره‌گیری از ضرب‌المثل برای تبیین موضوع، ویژگی سبکی آثار وی می‌باشد. همچنین باید دوباره تأکید کرد که طالبوف، در عصری زندگی می‌کند که به شهادت آثار مصور متعدد در عصر قاجار، به لحاظ بهره‌مندی متون از تصویر، عصر متمایزی است و رواج «چاپ سنگی یا لیتوگرافی از آخرین شیوه‌های هنر ایرانی متداول در دوره قاجار است و گسترش آن مجموعه متعدد آثاری را فراهم آورد که در شکل‌گیری فرهنگ تصویری آن دوران نقش موثری داشتند. غنی کردن این گنجینه تصویری در ادبیات، علاوه بر منقوش شدن صفحات کتاب‌های مختلف، همان‌طور که در ابتدای این مقاله گفته شد، در حوزه زبان بر عهده صناعات ادبی برآمده از حوزه صور خیال است که در علم بیان بدان پرداخته می‌شود و طالبوف را از این حیث، می‌توان یکی از تصویرگرانی دانست که با بهره گرفتن از صناعی مانند تشبیه و استعاره و مجاز، سجع و...، در برخی آثارش علی‌رغم شیوه معمول ساده‌نویسی‌اش، به تصویرگری در زبان دست زده است.

منابع:

- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۵). یا مرگ یا تجدد، چاپ سوم، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۶۳). اندیشه‌های طالبوف تبریزی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دماوند.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). از صبا تا نیما، چاپ پنجم، تهران: زوار.
- بالایی، کریستف؛ میشل کویی، پرس. (۱۳۷۸). سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، ترجمه احمد کریمی حکاک، چاپ اول، تهران: انتشارات معین و انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران.
- جباری، فاطمه؛ مرائی، محسن. (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی تصاویر نسخ چاپ سنگی و کاشی‌های مصور دوره قاجار، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، دوره ۱۸، شماره ۱، ص ۵۷-۶۸.

حسینی‌راد، عبدالمجید؛ خان‌سالار، زهرا. (۱۳۸۴). «بررسی کتاب‌های چاپ سنگی مصور دوره قاجار»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صص ۷۷-۸۶.

سرودی، سرور. (۱۳۸۳). «سیر مشروطه‌خواهی در ادبیات»، در: انقلاب مشروطیت؛ سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، صص ۱۶۳-۱۷۵.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه: در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران، چاپ اول، تهران: سخن.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). کلیات سبک‌شناسی، چاپ دوم، تهران: میترا.

طالبوف، عبدالرحیم. (۱۳۵۶). کتاب احمد (۳ جلد باضافه رسالات و...)، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، چاپ دوم، تهران: شبگیر.

____، _____. (۱۳۵۷). آزادی و سیاست (ایضاحات در خصوص آزادی و سیاست طالبی)، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: انتشارات سحر.

____، _____. (۱۳۱۰). نخبه سپهری، استانبول، مطبعه اختر.

____، _____. (۱۳۱۰). پندنامه مارکوس، استانبول، مطبعه اختر.

____، _____. (۱۳۱۱). رساله فیزیک، استانبول، مطبعه اختر.

____، _____. (۱۳۱۲). رساله هیئت جدید، استانبول، مطبعه اختر.

____، _____. (۱۳۲۹). سیاست طالبی، تهران: آگه.

____، _____. (۱۳۱۱). سفینه طالبی یا کتاب احمد (ج ۱)، استانبول: مطبعه اختر.

____، _____. (۱۳۱۲). سفینه طالبی یا کتاب احمد (ج ۲)، استانبول: مطبعه اختر.

____، _____. (۱۳۲۴). مسائل الحیات (جلد سوم کتاب احمد)، تفلیس.

____، _____. (۱۳۲۳). مسالک‌المحسنین، قاهره.

____، _____. (۱۳۲۵). ایضاحات در خصوص آزادی، تهران: نو.

میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۳). صد سال داستان‌نویسی ایران، چاپ سوم، تهران: چشمه.